



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

۲۰۲۶ / ۱ / ۱۸

کاندید اکادمیسین سیستانی

## نقش اقوام پشتون در تحولات اقتصادی-اجتماعی شمال شرق کشور

اگر مرگ میخواهی قندز برو:

از نسل قرن بیستم در افغانستان کمتر کسی خواهد بود که این مقوله را نشنیده باشد. علت بوجود آمدن این مقوله این بود که زمین های قندوز در آغاز قرن بیستم اکثراً دلدزار و محل تکثر پشه ملاریا بود و هرکس که آنجا میرفت، دچار تب ملاریا میگشت و مدتی بعد میمیرد، از این سبب کسی حاضر نبود در قندوز زندگی کند، ولو که دولت برایش زمین مجانی میداد، قبول نمیکرد.

آقای احسان الله مایار سالهای قبل روزی برایم تعریف میکرد که "در زمان هاشم خان صدراعظم بعد از کشیدن نهر گوهرگان دولت زمینهای تحت آبیاری این نهر را فی جریب به یک قران میفروخت، اما مردم محل حاضر به خریداری آن زمین ها نبودند. وی افزود که زمین های دشت ارچی قندوز نیز خار و لامالک بود بعد از آنکه دولت مردم بی زمین پشتون را از ولایات جنوب به آنجا اسکان داد آنها این زمین ها را به زمین های زرخیز میدل کردند.

آقای مایار افزودند که مردم ترکتبار شمال کشور تا دهه ۵۰ قرن بیستم چندان رغبتی به امور زراعت و کشاورزی نداشتند و بیشتر به مالدار و قالین بافی و تربیه گوسفند قره قل و تجارت پوست قره قل و قالین به خارج علاقه داشتند و بیشتر زمین های شمال کشور به دلیل عدم علاقمندی مردم بومی به کشت و زراعت، خار و لامزرع شده بود و یا به باتلاق ملاریا تبدیل شده بودند. چنانکه در میان مردم ضرب المثلی بود که میگفتند: "اگر مرگ میخواهی به قندوز برو"، زیرا که وجود پشه ملاریا واقعاً مردم را میکشت و در قندوز کمبود نیروی بشری احساس میشد، تا آنکه دولت پروژه مجادله با ملاریا را روی دست گرفت و در محو این مرض نقش داکتر عبدالرحیم خان وزیر صحت عامه وقت بسیار چشم گیر و قابل ذکر است.

دولت برای استفاده بیشتر از زمینهای لامزرع سمت شمال در وزارت داخله کشور اداره بی بنام ریاست املاک و اسکان ناقلین بوجود آورد تا اشخاص بی زمین را از دیگر ولایات تشویق کرده با دادن گندم بذری و حتی پول تقاوی تشویق به رفتن در ولایات شمال کشور نماید. به این ترتیب دولت مردم را بر روی زمین های لامزرع دولتی اسکان و جابجا میکرد.

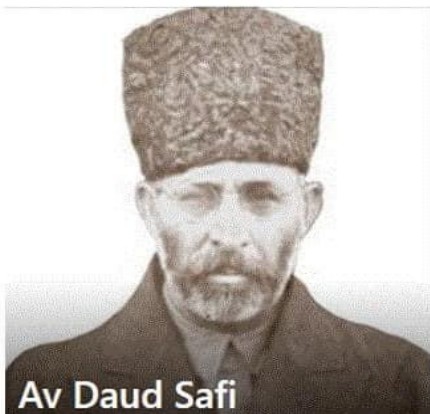
باور عمومی مردم قندز اینست که شیرخان ناشر در تحولات اقتصادی و اجتماعی ولایات شمال شرق کشور نقش چشمگیر داشته است. شیرخان از مردم پشتون و از طایفه خروتی کتواز غزنی و مردی مدبر و هوشیار و فرهنگ دوست بود که در آغاز شغل تجارت بین هند و بخارا داشت. در عهدامانی مورد توجه و تشویق شامان الله قرار گرفت و شاه به او لقب ناشر را بخشید و به همین نام مشهور شد. او در دوران

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

اغتشاش سقوی به آنسوی خط دیورند رفت و در میان قبایل زندگی میکرد. پس از آنکه حبیب‌الله کلکانی مشهور به بچه سقاو ازدست نادر خان شکست خورد و بعدسر به نیست شد، نادرخان، شیرخان ناشر را به همکاری فراخواند و او را برای سرکوبی یاغیان سقوی در شمال افغانستان گماشت. شیرخان با همراهی ملیشای قومی خود هواداران سقوی را در ولایات شمال کشور همراه با اشرار بخارانی تحت فرمان ابراهیم لقی که از بچه سقاو حمایت میکردند و سبب ناامنی و فجایع بسیاری میشدند بشدت سرکوب کرد و بقیة السیف مجبور به فرار به آنسوی آمودریا شدند. نادرشاه به منظور استقرار اوضاع در سال ۱۳۰۹ شمسی (۱۹۳۰) فرمان داد تا شیرخان با افراد خود در ولایت کندز برای دایم اقامت نمایند. بنابراین شیرخان ناشر به صفت والی قطغن و بدخشان مقرر گردید.

شیرخان پس از تصفیه باسمة چی های بخارانی در سال ۱۹۳۰ در قندوز پلان شهری را پیاده کرد و با کشیدن سرکها و تمدید پایه های تلفون، شرکت «روغن پنبه دانه» را تاسیس نمود. او برای کارگران شرکت خود خانه و کلینیک صحتی و مکتب ساخت. شیرخان در همان سال زمین های قزل قلعه را برای ساختن یک بندرتجارتی آماده نمود و دفترهای گمرک و خانه های نشیمن برای مامورین و مکتب و کلینیک صحتی اعمار کرد که بعد بنام بندر شیرخان نامیده شد.



Av Daud Safi



پس از آنکه فابریکه روغن سپین زر به همت و تلاش سرور ناشر فرزند شیرخان ناشر در قندز فعال گردید، مردم بغلان و قندز به کشت پنبه و آلبو روی آوردند و پشتونهای ساکن آن نواحی با پشتکار و زحمت کشتی خود توانستند زمین های دلدزار و باتلاقی قندز و بغلان را به زمین های آباد و حاصلخیز مبدل کنند. و سالانه از زمینهای خود دو بار و سه بار حاصل بگیرند و تحویلی در زندگی اقتصادی خود و مردم پدید آورند، ضرب المثل قدیمی که میگفتند: «اگر مرگ میخواهی قندز برو» چنین تغییر شکل یافت که: «اگر زندگی میخواهی قندوز برو»

آقای حسن بیژن، یگانه جهانگرد افغان که زاده و پرورده قندز است، از چشم دید خود درباره خدمات شیرخان ناشر و پسرش سرور ناشر نکات جالبی را بیان کرده میگوید:

«جناب سیستانی صاحب!

به تایید فرموده های شما که بسیار دقیق و با کمال صداقت ارایه شده اند، میخواهم نخست نکاتی را که از بزرگان خانواده و ریش سفیدان معزز شهر کندز در مورد گذشته تاریخی کندز شنیده ام و دوم حقایقی را که خودم به چشم سر در شهر کندز مشاهده کرده ام، با شما و سایر دوستان شریک سازم:

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

به قول بزرگان کندز : جناب شیرخان در ساختن کندز چنان نقش بزرگ داشته است که نامش را بایستی با آب طلا نوشت. به همت ، توانمندی و طرح های عالمانه ایشان بود که کندز به گدوم غله افغانستان مبدل شد. سازماندهی و ابتکار عمل لوی شیرخان ، کندز را زرخیز ساخت و زندگی مردم را بهبود چشمگیر بخشید. بعد از آن اصطلاح «اگر مرگ میخواهی کندز برو» مبدل شد به «اگر زنده گی میخواهی کندز برو».

جناب غلام سرور خان ناشر فرزند شیرخان بعد از آبادی کندز ، در چندین عرصه مصدر خدمات ارزشمند برای مردم کندز گردید که اظهر من الشمس و به همگان روشن است. **یک** : در عرصه اقتصادی که بزرگترین مثال آن همانا ایجاد و بکار انداختن شرکت سپین زر میباشد که علاوه بر شهر کندز ، در همه ولسوالی های کندز و چندین ولسوالی ولایت تخار نیز نمایندگی داشت.

**دو** : در عرصه روشنگری ، بهترین نمونه آن ایجاد کتابخانه بزرگ ناشر ، تاسیس لیسسه شیرخان کندز که بنده نیز از فارغان آن میباشم و تأسیس سینما های ناشر در قلب شهر کندز بوده است. **سه** : زمینه سازی برای توسعه ورزش که چمن بزرگ سپین زر از نمونه های بارز آن محسوب شده و انواع بازی های ورزشی در آن صورت می گرفت.

**چهار** : ایجاد پارک های تفریحی و هتل های لوکس در چوکات شرکت سپین زر . چنانکه هتل سپین زر شرکت در کندز یک مهمانخانه آبرومند برای استقبال از مهمانان ارشد خارجی و داخلی محسوب می گردید. زمانیکه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به شهر کندز تشریف می آوردند ، محل اقامت شان هتل سپین زر شرکت میبود. یکی از مثال های دیگر در این خصوص همین هتل سپین زر در جوار وزارت اطلاعات و کلتور در قلب شهر کابل میباشد.

در فرجام کلام میخواهم به یک نکته جالب دیگر اشاره کنم که ممکن هیچکسی از آن مطلع نباشد. کسانیکه از شهر کندز استند ممکن آگاه باشند که در منطقه پاچا قلندر کندز یک قبرستان بسیار بزرگ وجود دارد. یک بخش این قبرستان به قبرستان شهیدان جنگ لقی معروف است. آن طور که بزرگان و موسفیدان قصه می کنند ، بعد از پیروزی بلشویک ها در اتحادشوری وقت ، لشکر لقی ، گاه و بیگاه بر خانه های مردم کندز حمله نموده و مال مردم را چور و خانواده های شانرا بی عزت مینمودند. در آن سالها لشکر قومی پشتون ها ایجاد می شد و به نوبت به دفع حملات لشکر لقی همت می گماشتند. تا اینکه دولت مرکزی به مرور زمان قوی شد و اوضاع را به طور کامل تحت کنترل در آورد. تا زمانیکه من در کندز بودم ، مردم قریه های اطراف پاچاقلندر همواره در قبرستان متذکره حضور بهم رسانیده و به ارواح پاک شهدای دفاع از سرحدات در کندز ، اتحاف ادعیه مینمودند. جناب سیستانی صاحب گرانقدر !

حرفها در این خصوص زیاد است که نمی شود در یک کومینت آنرا خلاصه نمود. من کوشش کردم به گونه مختصر به آن اشاراتی داشته باشم. در فرجام کلام برای جناب شما دانشمند گران ارج آرزوی بهترین ها را دارم. همیشه شاد و سرفراز باشید.»

یکی دیگر از باشندگان کندز آقای **صالحی** میگوید تصدی سپین زر شرکت امکانات زیر را برای کارگران خود فراهم کرده بود:

- معاش مناسب ماهوار. هفت کیلو روغن نباتی تولید خود تصدی سپین زر . هفت کله صابون تولید

تصدی سپین زر. خانه رهایشی و یا کرایه ماهوار آن. تامین انرژی برق حرارتی و یا جنراتور دیزلی. مواد محروقاتی برای زمستان از باغ های سپین زر و یا هم پوستک دانه پنبه. موجودیت مکتب ابتدایه و یا متوسطه برای اطفال منطقه در اکثر از نماینده گی های سپین زر در ولسوالی ها. اعمار بک باب مسجد در هر نماینده گی. اعمار و موجودیت کلوب (هوتل) در هر نماینده گی برای مهمانان دولتی و سپین زر. اعطای یک الی سه ماه معاش بخششی بعد از تصفیه بیلانس در اخیر هر سال مالی برای تمام کارمندان سپین زر. -تداوی مجانی کارگران و کارمندان و اعضای فامیل آنها در شفاخانه مرکزی سپین زر در کندز و فرستادن هیئت صحی برای تداوی موظفین و اعضای فامیل آنها به تمام نماینده گی ها ربع وار در طول سال. پرداخت کرایه موتر برای انتقال فامیل کارمند در صورت تبدیلی از یک نماینده گی به نماینده گی دیگر. پرداخت تقاعدی نقداً و ووو.

سنگ تهادب ترقی و پیشرفت در همه عرصه های زندگی مردم ولایات کندز، بغلان، تخار و بدخشان توسط شیرخان و خانواده ترقی پسند او گذاشته شده است. ما مردم قطغن زمین مدیون و مرهون این خانواده بزرگ هستیم، خداوند بزرگ همه ی گذشته گان شان را بهشت برین نصیب نماید و بر عمر با برکت زنده های شان بیفزاید، آمین.»

بقول عماد الدین حامد: «کندز فعلاً مرکز زون شمالشرق (بدخشان، تخار و بغلان) است. در حال رشد و شگوفایی است و ۱۰۰ متر مربع زمین در ساحه ماستر پلان شهری نزدیک به ۴۰ هزار دالر قیمت دارد.»



**چوک شهرقندز**

**هوتل سین زر در کابل**

با توجه به نظریات آقای بیژن و دیگر صاحب نظران بغلان و کندز، بدون تردید بر اثر ابتکار و توجه و غمخواری خانواده ناشر در قندز و بغلان است که ارزش زمین در صفحات شمال کشور بخصوص در قندوز و بغلان بخاطر حاصلدهی محصولات گندم و برنج و پنبه و خربوزه و سایر میوه جات بالا رفت و چون ناقلین پشتون در حاصلخیزی زمینهای قندز و تولید انواع محصولات زراعتی از سایر هموطنان خود پیشقدم تر بودند، دشمنان وحدت ملی افغانستان بخصوص ستمی ها در میان مردم بومی چنین

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

تبلیغ کردند و میکنند که حاکمیت پشتونها در افغانستان سبب ستم ملی بر مردم صفحات شمال کشور شده و زمین های مردم شمال با زور و جبر ازمالکان تاجیک واوزبک شمال گرفته شده و به اقوام پشتون جنوب داده شده است و می باید این مردم دوباره به جنوب هندوکش برگردند!؟ درحالی که این تبلیغیات واقعیت نداشت و هیچ دولتی نمیخواهد امنیت کشور خود را برهم زند و برای خود درد سر ایجادنماید. مگرمتاسفانه این تبلیغات نتایج بسیار خشونت باری داشت و در دوران تجاوز شوروی وهمچنان در دوران اشغال کشور از سوی امریکا وشرکا که پله قدرت بسوی ائتلاف شمال سنگینی میکرد اقوام پشتون شمال بسختی تحت ستم قرار گرفتند و برطبق منابع سازمانهای حقوق بشر ملل متحد در حدود ۸۰ هزار خانواده پشتون در شمال کشور توسط قوماندانان جمعیت اسلامی و جنبش اسلامی دوستم مجبور به ترک خانه و زمینهای خود شدند به جنوب کشور به قندهار و ننگرهار و حتی پاکستان کوچ کردند.

یکی از نتایج مفید سیاست اسکان پشتون های بی زمین در شمال کشور بخصوص در ولایات قندز و بغلان این است که پشتونها بر اثر کار و زحمت کشتی خود دلدزارهای مرگ آفرین قندز و بغلان را به بهشت مردم شمال مبدل کردند و زمین های را که در سالهای ۳۰ فرن بیستم کس یک جریب را به یک قران تمی خرید اکنون ۱۰۰ مترمربع زمین در شهر قندز به چهار هزار دالر خریده میشود و این نتیجه کار و زحمت کشتی اقوامی است که از جنوب به شمال کشور اسکان داده شدند و آنها ثابت ساختند که زارعان خوبی برای آبادی و عمران زمینهای لامزروع کشور اند. پایان

آرشیف: مقالات کاندید اکادمیسن سیستانی